

این همه تنش و تشنج در افغانستان تقصیر کیست؟؟؟

{ دولت و تیم تشکیل دهنده دولت، ناتو و پنتاگون و یاجنگسالاران و پول پرستان ؟ }

بخش - چهارم و پایانی (زیمیر و اسکاری)



آیا انسان و وطنش را می‌فروشد؟
 آب و نانش را خرید
 آیا در این دنیا عزیزتر از وطن هست؟
 آقایان چگونه به این وطن رحم نکردید؟
 پاره پاره‌اش کردند
 گیسوانش را گرفتند و کشیدند
 کشان کشان بردند و تقدیم کافر کردند
 آقایان، چگونه به این وطن رحم نکردید؟
 دست‌ها و پاها بسته در زنجیر،
 وطن، لخت و عور بر زمین افتاده
 و نشسته بر سینه‌اش گروهیان تک‌زاسی.
 آقایان چگونه به این وطن رحم نکردید؟
 می‌رسد آن روز که چرخ بر مدار حق برگردد
 می‌رسد آنروز که به حساب‌های شما برسند
 می‌رسد آن روز که از شما پرسند:
 آقایان چگونه به این وطن رحم نکردید؟ (ناظم حکمت)

درفر جام



افغانستان که یکی از آسیب پذیرترین کشورهای جهان از آفت جنگهای متداوم، جنایات جنگی و بشری ناشی از آن، تخطیهای سریع از موازین قبول شده حقوق مدنی - سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی است، یکبار دیگر در معرض تحولات جدیدی قرار می‌گیرد، که با تأسف روند تازه-ایجاد ارزشی را که با مشکلات فراوان مجال زیستن پیدا کرد، تهدید می‌کند. مردم بیگناه افغانستان که قربانیان اصلی جنایات هستند، به مضمون باجگیریها، تفاهات ناسالم، پیوندهای نامشروع و تبانیهای پشت پرده مبدل می‌گردند.

کرزی اغلب شکایت کرده که کشورهای غربی به وعده‌هایشان برای بازسازی افغانستان عمل نکرده‌اند. اما بعید به نظر می‌رسد این اظهارات کشورهای غربی را متوجه بی‌اعتنایی آنها به بازسازی افغانستان کند. امنیت رو به وخامت است و گزارش‌هایی از اوضاع امنیتی از گسترش خشونت‌ها در جنوب کشور و سرایت آن به شمال و غرب و درپایتخت حکایت دارد. کارشناسان هم چنین به افزایش عملیات‌های انتحاری در کابل اشاره دارند. عملیات‌های نظامی ادامه‌دار نیروهای ائتلافی علیه طالبان در جنوب این کشور تنها به موفقیت‌های نرسیده بلکه و این در حالی است که طالبان هم از لحاظ قوا و هم از لحاظ تعداد رشد قابل توجهی یافته‌اند.

نیروهای ناتو و ائتلافی هم چنین در حملات اخیرشان علیه طالبان با انتقاد شدید دولت در خصوص افزایش تلفات غیر نظامیان نیز روبرو شدند و کرزی اخیراً نیروهای خارجی را به انجام حملات بی‌ملاحظه متهم کرده که در آن بسیاری از غیر نظامیان قربانی شده‌اند. در حالی که روند بازسازی افغانستان هم چنان از انتظارات فاصله‌ی زیادی گرفته، بعید به نظر می‌رسد اوضاع و شرایط عادی زندگی به این زودی‌ها در افغانستان حاکم شود.

در گزارش اخیر بانک توسعه‌ی آسیایی آمده است که میزان پول پرداختی قدرت‌های غربی برای هرافغان بسیار کمتر از میزان مبلغ پرداختی آنها در کشورهای جنگ زده‌ی دیگر است. اغلب بودجه‌های خارجی صرف ساخت مکاتیب و سیستم‌های تعلیم و تربیه شده که آن هم تنها به کابل و ولایات کلیدی معطوف شده است و بسیاری از شاگردان هم چنان در فضای باز و درخیمه به درس خواندن مبادرت می‌کنند.

کارشناسان امداد رسانی بین‌المللی در بازسازی افغانستان اعلام کردند، اوضاع امنیتی همچنان اصلی‌ترین مانع در بازسازی این کشور است. آمریکا به عنوان بزرگترین کمک‌کننده‌ی مالی به افغانستان 1.37 میلیارد دلار در سال مالی جاری به این کشور اختصاص داده که این پول نیز صرف مساعدت‌های نظامی به منظور اجرای اهداف نظامی می‌شود. اختصاص بودجه برای بازسازی و توسعه‌ی جوامع تنها پس از صرف هزینه برای حصول اهداف نظامی در افغانستان صورت می‌پذیرد. کارشناسان می‌گویند، کمی پس از سقوط طالبان تنها برخی عملیات‌های محدود بازسازی آغاز شد و در همان سطح باقی ماند.

اوضاع امنیتی به گونه‌ای است که مجله‌ی نیوزویک در گزارشی به تجدید قوای طالبان در این کشور پس از گذشت شش سال از سقوط آنها اشاره کرده و در این باره می‌نویسد: با گذشت چند سال از اعلام سقوط طالبان و عملیات‌های فراوان نیروهای ائتلافی و ناتو و اردوی ملی برای ریشه‌کنی کامل آنها اکنون برای مشاهده‌ی اعضای طالبان لازم نیست حتی از کابل خیلی فاصله بگیرد.

ازجانب دیگر افغانستان اولین و بزرگترین تولیدکننده مواد مخدر در جهان به حساب می‌آید. دولتمردان آمریکایی پس از حمله نظامی به افغانستان اعلام کردند که یکی از بزرگترین برنامه‌های آنها در کشور نابودی مزارع خشخاش، جلوگیری از کشت آن و ممانعت از قاچاق مواد مخدر است.

حقیقت این است که دولت آمریکا پس از تصرف افغانستان نه تنها هیچ گام جدی برای جلوگیری از کشت خشخاش و قاچاق مواد مخدر برداشت بلکه در بسیاری از موارد نیز به مافیای مواد مخدر در این کشور کمک کرده است. طی بیش از شش سالی که از حمله آمریکا به افغانستان می‌گذرد علی‌رغم ادعاهای آمریکایی‌ها مبنی بر تلاش برای کاهش کشت خشخاش در این کشور و جلوگیری از تولید مواد مخدر، آمارهای موجود از افزایش تولید مواد مخدر در کشور و قاچاق آن به سایر نقاط جهان خبر می‌دهد. دفتر سیاست ملی کنترل مواد مخدر آمریکا در گزارشی اعلام کرد اراضی زیر کشت خشخاش به میزان چشمگیری نسبت به سال گذشته افزایش یافته و به یکصد و هفتاد و هزار و شش صد هکتار رسیده است. ۱

ین گزارش هم چنین می‌افزاید، از زمان سرنگونی طالبان در افغانستان، تولید خشخاش در این کشور حدود شش برابر شده است. سفارت آمریکا در کابل همواره دولت کرزی را یکی از عوامل ناکامی مبارزه با مواد مخدر در افغانستان اعلام کرده است.

برپایه گزارش‌های منتشر شده از سوی سازمان ملل متحد، میزان تولید محصول خشخاش در سال گذشته شش هزار و دوصد تن است و در سال جدید به هشت هزار و نینصد تن رسید که در تاریخ این کشور سابقه نداشته است. بارنت روبین پژوهشگر آمریکایی در جلسه استماعیه کمیته روابط خارجی مجلس سناي آمریکا درباره علل ناکامی دولت افغانستان در مبارزه با مواد مخدر گفت: وقتی ما در این مورد صحبت می‌کنیم که چرا دولت افغانستان به اقدامات جدی علیه قاچاق مواد مخدر دست نمی‌زند باید به خاطر داشته باشیم که بسیاری از این دلالتان مواد مخدر توسط ایالات متحده تقویت می‌شوند و به بسیاری از آن‌ها کمک شد تا دوباره قدرت را در دست گیرند. وی افزود: وقتی کرزی خواست برخی از آنها را از مقام‌هایشان برکنار کند آنها از سوی بعضی ارگان‌های دولت آمریکا حمایت و در سمت‌های خود ابقا شدند زیرا حضور شان برای ایالات متحده مفید ارزیابی می‌شد. وی افزود: هشاد در صد پول مواد مخدر به جیب قاچاقچیان و جنک سالاران سرازیر می‌شود، نه دهقاتانی که خشخاش کشت می‌کنند و در مزارع آن کار می‌کنند و نود در صد از سود حاصل از تجارت مواد مخدر به خارج از افغانستان ارسال می‌شود.

به گفته روبن بدون تردید یکی از دلایل افزایش کشت خشخاش و تولید مواد مخدر در افغانستان سودسرساری است که از بابت تولید و توزیع این مواد، عاید قاچاقچیان و سوداگران مرگ می‌شود که از سوی برخی از حامیان خود در ایالات متحده پشتیبانی می‌شوند. حال این پرسش مطرح است که آیا اقدامی که واشنگتن در افغانستان تحت شعار ریشه‌کنی مواد مخدر انجام می‌دهد واقعا مبارزه با مواد مخدر است یا تجارت مواد مخدر؟ سال گذشته کشت خشخاش

در ولایت هلمند یکصد و شصت درصد رشد داشت که به رشد پنجاه درصدی کشت خشخاش در افغانستان کمک کرده بود. سال گذشته افغانستان شش هزار و دویست تن خشخاش تولید کرده بود که نود و دو درصد از نیاز بازار جهانی را تامین می‌کند.

همچنان بسیاری فراماندهان اصلی و رهبران جناح‌های سیاسی که متهم به ارتکاب جنایت‌اند، در دولت فعلی دارای مقام‌های رسمی هستند؛ آنها در سطوح بالای اردو، پولیس، سرویس‌های اطلاعاتی و حتی منحصی مشاوران کرزی فعالیت دارند. تعدادی دیگر شاید فعالانه در تکاپوی چنان مقاماتی باشند.

بسیاری افغانها و بویژه کابلی‌ها بر این باورند که گذشته‌های سوء این افراد باعث می‌شود که آنها برای احراز چنین مقام‌هایی مناسب نباشند. دزدی‌های گسترده شبانه در پایتخت و ولایات نیز امنیت اجتماعی خانواده‌ها را با تهدید جدی مواجه کرده است. به دلیل فقر امکانات اغلب ناامنی‌های اجتماعی در ولایات، پوشش رسانه‌ای داده نمی‌شود و شاید خیلی از رسانه‌های داخلی به دلیل زیر سوال رفتن و تهدید نشدن به وسیله مقام‌های امنیتی و دیگران حاضر به انجام چنین ریسکی نیستند.

از اینرو کمتر شاهد جلوه‌های اینگونه ناامنی‌ها در سطح رسانه‌ها هستیم. آمار و ارقام نیز وجود ندارد تا بتوانیم با مراجعه به آن، میزان جرایم ارتکاب یافته و درصد آن را در کشور تشخیص دهیم. وظیفه اصلی تامین امنیت در جامعه به عهده نیروهای امنیتی و محاکم کشور است که ضعیف عمل نمودن این دو نهاد در شرایط کنونی افزایش ناامنی‌های اجتماعی را به نحوه چشمگیر رقم زده است. علنا مشاهده می‌شود که منابع ملی ما توسط دزدان و سودجویان به تاراج می‌رود، میراث فرهنگی ما که هویت ملی ما را به جهانیان معرفی می‌کند از دل خاک بیرون کشیده شده یا از موزیم‌ها به غارت می‌روند و پس از انتقال به کشورهای همسایه سر از موزیم‌های شخصی جنرالان پاکستانی یا دیگر کلکسیونرها اروپا و آمریکا می‌آورد. ذخایر و معادن ما که برای دولتمردان نامشکوف باقی مانده اند گاهی اوقات به وسیله دزدان و غارتگران شناسایی می‌شوند و آنان این منابع ارزشمند را استخراج نموده و در بازارهای خارج از کشور، به فروش می‌رسانند. کشور و مردم افغانستان بادر به این که اقتصاد ضعیفی دارند اندک بضاعت مالی ما چه در خانه و چه سرمایه‌های ملی اینگونه به غارت و تاراج می‌رود. فشارهای نظامی به تنهایی قادر به حل مشکلات اساسی افغانستان نیستند و این کشور برای توسعه، بازسازی و بهبود عملکرد دولت علاوه بر آن‌ها به کمک‌های بیشتری نیاز دارد. این مشکلات تنها ریشه در خود افغانستان ندارند. به باور مقام‌های غربی، صلح قابل قبول در افغانستان منوط به نابودی زیربنای اصلی حمایت از تروریست‌ها در پاکستان و دستگیری طالبان و القاعده در این کشور است.

طالبان و القاعده حملات بر ضد نیروهای افغانستان و نیروهای نظامی غربی را در پایگاه‌های عملیاتی خود واقع در بلوچستان پاکستان و مرزهای شمال غربی طراحی می‌کنند. مطالعه سیاست‌های کمی در سال‌های گذشته بسیاری از تحلیل‌گران را متقاعد کرده است که چنانچه اجرای استراتژی بین‌المللی کمک به افغانستان با همان فرض قبلی ادامه یابد در آن صورت نمی‌توان انتظار زیادی از بهبود اوضاع امنیتی داشت. این تصویری ساده لوحانه و خطرناک است که با بیشتر کردن نیروهای ناتو و افزایش اختیار عمل نیروهای آمریکایی می‌توان طالبان را شکست داد. افزایش عملیات نظامی ناتو در افغانستان و گسترش جست و جوی نیروهای نظامی آمریکایی برای یافتن نیروهای القاعده و طالبان، سبب به خطر افتادن جان عده بیشتری از سربازان آمریکایی و اروپایی و کاهش ذخایر مورد نیاز جامعه بین‌المللی به منظور سرمایه‌گذاری در اردو و ملی و بازسازی و توسعه جامعه می‌شود. در حالی که حداقل مصارف هر سرباز ناتو مستقر در افغانستان، پنج هزار دلار در ماه است، هر سرباز اردو ملی ماهانه به طور متوسط تنها شصت دلار دستمزد می‌گیرد. برنامه‌هایی از قبیل اختصاص حقوق بیشتر به اضافه برنامه‌های آموزشی بهتر، برای افسران اردو و پولیس ملی، مطمئناً افغانان بیشتری را جذب نیروها مسلح خواهد کرد و ترک خدمت در ادارات نظامی کاهش خواهد یافت.

بنابراین لازم است که استراتژی جدیدی جایگزین ذخایر مصرف شده در زمینه توسعه فعالیت نیروهای آمریکایی و ناتو شود. مشکل‌ترین قسمت این استراتژی، مستلزم وجود صلاحیت اخلاقی و شهادت ایالات متحده در خاتمه دادن به جست‌وجو‌ها برای یافتن نیروهای القاعده و طالبان است. چنانچه سازمان دفاعی ایالات متحده با سیاست جنگ بر ضد ترور، خود درگیر جنگ در افغانستان شود در آن صورت ناتو قادر نیست به عنوان یک قدرت باثبات در افغانستان ادعای حق کند، در حالی که ناتو چنین قدرتی را در کوزوو و بوسنی هرزگوین داشت. پاکستان با اتخاذ سیاست دوگانه در خصوص طالبان، شرایط مساعدی برای فعالیت گروه‌های تروریستی در منطقه فراهم کرده است. سابقه حمایت دولت پاکستان از طالبان به زمان حکومت طالبان باز می‌گردد. پاکستان، عربستان و امارات متحده عربی تنها سه کشوری بودند که حکومت طالبان در افغانستان را به رسمیت شناختند. با سقوط طالبان مناطقی از پاکستان به مامن نیروهای طالبان تبدیل شد. در سال‌های اخیر دولت پرویز مشرف همواره از سوی آمریکا و افغانستان به حمایت و پشتیبانی از طالبان متهم شده است. از نگاه واشنگتن و کابل، پاکستان در راه مبارزه با طالبان و القاعده، همکاری لازم را ندارد. به اعتقاد برخی کارشناسان، حمایت اسلام‌آباد از طالبان با هدف تقویت و افزایش نفوذ پاکستان در افغانستان صورت می‌گیرد. از طرف دیگر سازمان نظارت بر حقوق بشر ملل متحد، با نشر اعلامیه‌ای برخی از رهبران و مقامات احزاب گذشته را بر نقض و هتک حقوق بشر و ارتکاب جرائم جنگی متهم کرده است.

بدون شك در دوران جنگهاي متوالي سه دهه گذشته هر دو گزینه (نقض حقوق بشر و جرائم جنگي) به صورت ناراحت کننده و تكان دهنده در سطح کشور صورت گرفت و اکثریت رهبراني که مستقیم و یا غیر مستقیم در این جنایات دست داشتند، هم اکنون نیز در عرصه قدرت مطرح و داراي قدرت و نفوذی تأثیر گذار می باشند. برخی نیز مانند رهبران طالبان هنوز هم مصروف و سرگرم تداوم جنایات خویش علیه مردم بیدفاع افغانستان بوده و با ایدئولوژی خشک و افراطی خویش، عقیده باطل و فاسد خویش را در مورد قتل و کشتار مردم به پیش می برند. با این که بیش از شش سال از این وضعیت جدید می گذرد، هنوز هم دورنمای صلح و زندگی مسالمت آمیز چندان یقینی و امیدوارکننده نیست و شکنندگی اوضاع به حدی است که يك جرعه می تواند تمام فضای کشور را با شورش و آشوب مواجه سازد. مؤلفه های آشتی ملی و انسجام ملی به شدت ضعیف و ناکارآمد است و حفظ ثبات بسیار دشوار، و زیرکی و هوشیاری کامل می خواهد.

در این وضعیت دامن زدن به گذشته و گذاشتن انگشت آن هم بر عملکرد رهبراني که تادندان مسلح اند، می تواند روند صلح و ثبات را در معرض مخاطره و تهدیدهای جدی قرار بدهد که مسلماً به صلاح افغانستان نخواهد بود. با این که تأمین عدالت اجتماعی و رسیدگی به دوسیه های جنایی گذشته بسیار مهم می باشد، اما حفظ یکپارچگی و مراقبت از ثبات نسبی به وجود آمده به مراتب مهمتر و ضروري تر است، چرا که مصلحت و اهمیت ثبات و آرامش برای تداوم حیات کشور و عبور از مراحل لرزان و شکننده پس از بحران، امری ثابت شده و غیرقابل انکار است و اگر خدای نکرده این بار، گذشته های سه دهه قبل تکرار شود، قطعاً دیگر افغانستان نخواهد بود که بر سر محاکمه یا عدم محاکمه ناقضان حقوق بشر و متهمان ارتکاب جرائم جنگی مناقشه و گفت و گو شود.

تهیه کنندگان گزارش حقوق بشر از کشورهای عضو ناتو تقاضا کرده اند که برای تلفات غیرنظامی در جریان عملیات این نیروها در افغانستان خسارت پردازند و عواملی را که منجر به کشته شدن غیرنظامیان شده، تحقیق و پیگیری کنند. این گزارش همچنین نسبت به آنچه که حضور گروه های مسلح غیرقانونی در افغانستان و سواستفاده از قدرت می خواند ابراز نگرانی کرده است.

در حال حاضر نبود امنیت کافی، وضعیت بد حقوق بشر در قراوقصبات و مناطق دور افتاده افغانستان و نیز نبود سیستم حسابداری شفاف از میلیاردها دالر کمک شده به این کشور، از نگرانی های اصلی در راه پیشرفت و انکشاف کشور به حساب می رود. مدیر بخش آسیایی دیدبان حقوق بشر می گوید: کابل و حامیان بین المللی آن تلاش های کمی برای برآورده کردن نیازمندی های اساسی مردم چون امنیت، برق، غذا، آب و صحت به خرج داده اند. آمریکا، اتحادیه اروپا و دیگران باید کمک های بیشتر اقتصادی، سیاسی و نظامی را برای تامین حقوق بشر در افغانستان انجام دهند. وی با انتقاد از وضعیت امنیتی می گوید که هم اکنون شمار زیادی از افغانها از بیم نا امنی نمی توانند کودکان خود را به مکتب بفرستند. نگرانی ها از وضعیت امنیتی در حالی ابراز می شود که خشونت های نظامی در افغانستان در سال ۲۰۰۶ منجر به کشته شدن حدود چهار هزار نفر شد که یک چهارم بخش آن را غیرنظامیان تشکیل می داد.

حقوق بشر در بخش دیگری به آنچه مشکل حضور نیرومند جنگسالاران و گروه های مسلح غیرقانونی در افغانستان می خواند اشاره کرده و هشدار داده که این گروه ها، مشکل یکسان با گروه های تروریستی را برای مردم افغانستان فراهم کرده اند. در گزارش گفته شده، هر دو طالبان و جنگسالاران با افغانها بدرفتاری می کنند. نا امنی تنها در جنوب افغانستان وجود ندارد بلکه این مشکل فراگیر برای همه ای افغانها در سراسر کشور و برای ولایاتی است که از مناطق نا امن جنوب و شرق فاصله دارند. این سازمان از دولت تقاضا کرده که برای تحکیم حاکمیت قانون و تامین عدالت در این کشور تلاش کند و بکوشد یک سیستم شفاف حسابداری ایجاد شود.

افغانستان بار دیگر در لبه پرتگاه قرار گرفت و به مکان امنی برای ناقضین حقوق بشر، جانیان و افراطیون مسلح مبدل شد. اکثریت این ناقضین در گذشته نه چندان دور نیز باعث اذیت و آزار افغانان و بخصوص زنان و دختران و بی ثباتی کشور، منطقه و جهان شده بودند. موجودیت خلاء قدرت در بسا نقاط کشور زمینه بهره برداری را برای طالبان، ملیشاهای قومی و جنگسالاران محلی فراهم آورد. این گروه ها بشکل روزافزونی دست به خرابکاری و ترور افراد عام زده و با حمله بر -اهداف آسان- مانند مکاتب و معلمین و چهره ها مذهبی، وحشت را در میان مردم عوام ایجاد نمودند.

گروه های فوق می خواستند با این اعمال ناتوانی دولت را در تامین امنیت و حمایت از ساکنین محل نشان دهند. تجارت پررونق مواد مخدر در این سال قسماً عامل و قسماً تمویل کننده نا امنی ها و خشونتها در افغانستان بود که با رشد ۶۰ درصد نسبت به سال قبل رکوردی قائم کرد. این تجارت نصف درآمد کشور و ۹۲ درصد هرونین جهان را تشکیل می دهد. در این سال نا آرامی در جنوب و جنوب شرق افغانستان به جنگ تمام عیار مبدل شد، با آنکه نیروهای ناتو که وظیفه تامین امنیت در افغانستان را مطابق به فیصله های سازمان ملل متحد به عهده دارد ساحه فعالیت خود را به سراسر افغانستان گسترش داد. در نقاط دیگر کشور، افغانها روزمره مورد ظلم و ستم جنگ سالاران و ملیشاهای محلی که ظاهراً با دولت افغانستان همخواند قرار داشت. مردم از بی کفایتی و ناهماهنگی میان نیروهای خارجی و مساعدت های مالی جهانی در سراسر کشور و حتی در کابل ناراض و خشمگین اند. همچنان مردم از ضعف کارایی دولت کرزی و فساد اداری عاملین آن گفتنی های فراوان دارند. دولت نیز در بسیاری موارد نه میل

ونه توانایی حمایت از مردم عام را داشت. علیرغم رشد درآمد سرانه (که بیشتر مدیون تجارت مواد مخدر است) پیشرفت های اقتصادی در مناطق شهری و بخصوص در کابل متمرکز شده است. نقض حقوق بشر، فقر و نا امنی بشکل قابل توجهی با افزایش فاصله از مراکز ولایات افزایش میابد. برخوردهای مسلحانه و نا امنی پیشرفت های اقتصادی را در اکثر نواحی افغانستان که یکی از عقب مانده ترین کشورهای جهان است، با مشکلات جدی و حتی با عقبگرد مواجه ساخته است. بازسازی بالخصوص در جنوب آسیب دیده و این نقیضه بیشتر برخشم مردم افزوده است.

از سویی دیگر منطقی و مطلوب است که برای ترویج و نهادینه ساختن حساب گیری از دوره مسئولیت کسانی که مسئول بوده و هستند، به تدریج گام برداشته شود و نیز اقدامات مؤثر و حساب شده در دفاع و حفظ حقوق بشر و رسیدگی به جنایات سازمان یافته و پراکنده با حفظ مصالح و منافع آینده و فعلی کشور صورت بگیرد. بنابراین تثبیت و تحقیق و جمع آوری مدارک و اسناد در مورد جنایات انجام شده، در مسئولیت نهادهای مربوطه داخلی است و آنها مسئولیت دارند تا به این خاطر که بتوانیم در آینده زمینه های تخطی از حقوق بشر را از بین ببریم تحقیقات خود را به صورت کامل و جامع به قوه قضاییه کشور ارائه کنند تا در آینده مورد استفاده قرار بگیرد ولی فراموش نکنیم که به انگیزه های تبلیغاتی و سیاسی و استفاده ابزارگونه از این مورد به ضرر صلح و ثبات در کشور است و آب آن فقط در آسیاب دشمنان افغانستان خواهد رفت نه مردم افغانستان و قربانیان جنایات. استفاده از رسانه های خبری و تحلیلی واقتباس از نوشته های قبلی ام به نامهای مستعار در نشریه های درون و بیرون مرزی .